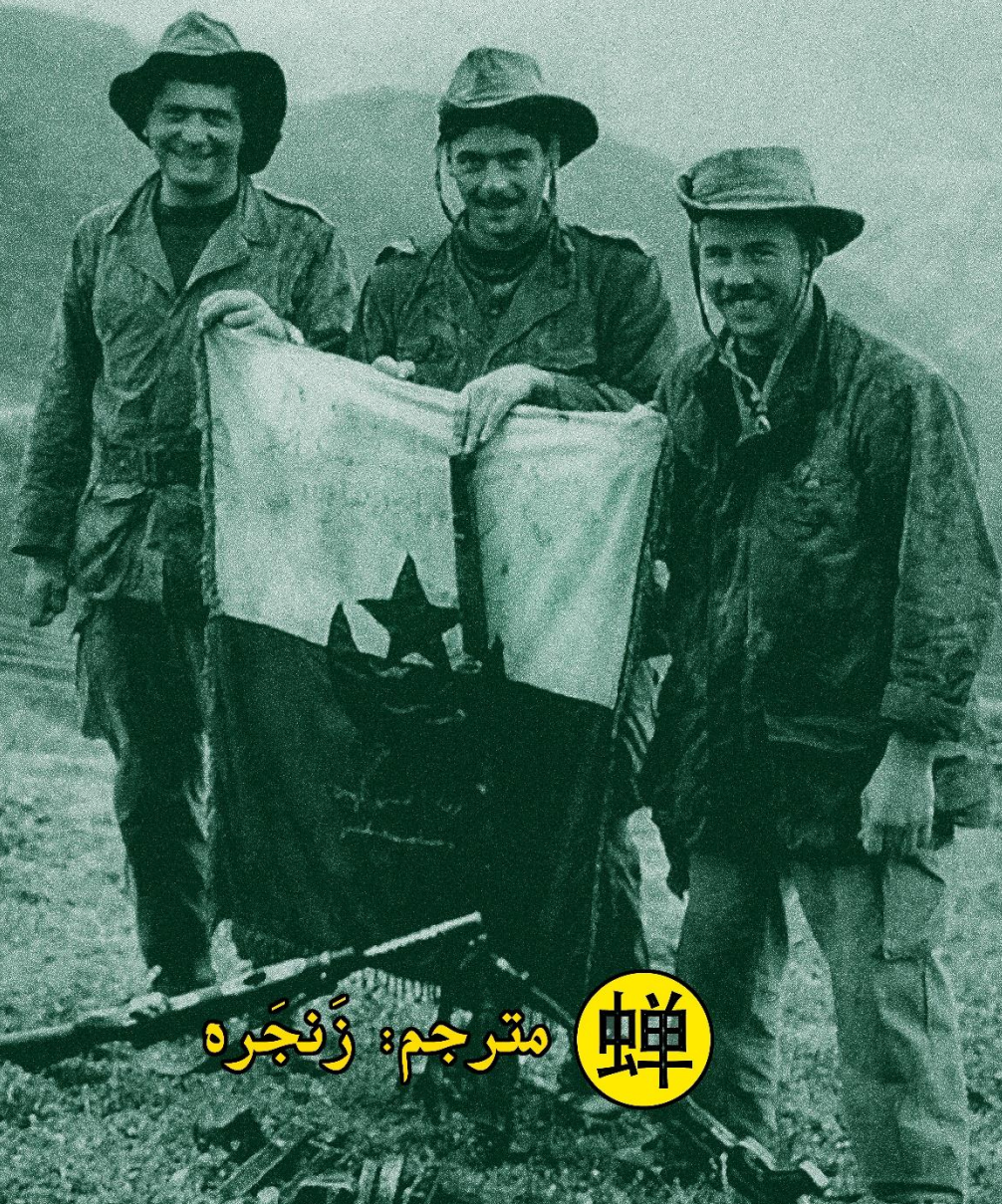


# گفت و گوی صدر مائو با هیئت شبه نظامیان الجزایر



مترجم: زَنجَرَه





دَر گَنْدُمزار زَنجَرِه می خوانند...







## یادداشت مترجم

این گفت‌وگو میان صدر مائو و هیئت نمایندگان انقلاب الجزایر به رهبری محمود گونز، نشانگر تلاش‌های مشترک دو کشور در جهت مقابله با امپریالیسم است. این دیدار در ۲۶ دسامبر ۱۹۶۴ و در تالار بزرگ خلقی پکن صورت گرفت. گفت‌وگو از همان ابتدا، با تدکید بر روابط برادرانل میان چین و الجزایر آغاز شد؛ روابطی که برخلاف روابط قدرت‌های امپریالیستی غرب، بر پایه همکاری، آموزش و خودکفایی استوار است.

صدر مائو در خلال این نشست به تحلیل تجربیات چین در مسیر مقابله با امپریالیسم و دستاوردهای انقلاب می‌پردازد و به دگرگونی‌های اجتماعی و ایدئولوژیک چین تأکید می‌کند. او از تجربه انقلاب چین به عنوان الگویی متفاوت از نظام‌های امپریالیستی یاد کرده و با اشاره به موفقیت‌های الجزایر در شکست فرانسه، به اهمیت اراده و خودباوری ملی تأکید می‌کند. از نظر مائو، بیرهای کاغذی نماد قدرت‌های غربی و امپریالیست‌ها هستند که گرچه ظاهر قدرتمندی دارند، اما در برابر مبارزات توده‌ای و انقلاب‌ها شکننده هستند.

توصیه‌های مائو به هیئت الجزایری، تأکید بر خودکفایی، اجتناب از تقلید کورکورانه از تجربیات خارجی و استفاده از اصلاحات اجتماعی و کار برای هدایت و آموزش عناصر مرتجع است. در این زمینه، او به بازآموزی و اصلاح ضدانقلابیون از طریق کار اشاره می‌کند و تأکید دارد که چین به جای سرکوب شدید، با فراهم کردن بسترهایی برای اصلاح و بازگشت آنان به جامعه، از نیروی انسانی بهره‌گیری کرده است.

به این ترتیب، این گفت‌وگو تصویر جامعی از تفکر مائونیستی دربارهٔ مبارزه با امپریالیسم و چگونگی تحقق عدالت اجتماعی از طریق همبستگی بین‌المللی و مشارکت فعال توده‌ها است.

## گزارش گفت‌وگوی صدر مائو با هیئت شبه‌نظامیان الجزایر

زمان: از ساعت ۶ عصر تا ۶:۴۵ عصر، ۲۶ دسامبر ۱۹۶۴

مکان: سالن پکن، تالار بزرگ خلق

رئیس هیئت، محمود گونز: در ابتدا می‌خواهم سلام‌های دبیرکل دفتر سیاسی، بن یلا، را به صدر مائو برسانم.

صدر مائو: خیلی متشکرم. لطفاً سلام‌های مرا به رئیس‌جمهور بن بلا برسانید. آیا مشکلاتی که هنگام آمدن داشتید، حل شده‌اند؟

محمود گونز: همه مشکلات حل شده‌اند.

صدر مائو: می‌ترسم که نتوانسته باشیم نیازهای شما را برآورده کنیم. کمک‌های ما خیلی کم است.

محمود گونز: برادران چینی ما به اندازه کافی به ما کمک می‌کنند.

صدر مائو: شما می‌توانید کارخانه‌های خود را بسازید. می‌توانید به خودکفایی برسید. در عرض هشت تا ده سال می‌توانید فولاد تولید کنید، آهن گداخته کنید، هواپیما و کشتی بسازید و تسلیحات خود را تولید نمایید. بله، می‌توانید! اگر هشت یا ده سال کافی نباشد، می‌توانید در پانزده یا بیست سال به آن برسید. باید باور داشته باشید که اگر فرانسه دارد، پس شما هم می‌توانید داشته باشید! من باور دارم هر چیزی که امپریالیست‌ها می‌توانند انجام دهند، شما نیز می‌توانید انجام دهید. آیا فقط کشورهای غربی قادر به انجام

کارهایی هستند و آفریقایی‌ها و آسیایی‌ها نمی‌توانند؟ من بر این باور نیستم. مگر شما فرانسه را شکست ندادید؟ فرانسه بیش از ۸۰۰,۰۰۰ نیروی نظامی داشت و شما تنها چند ده هزار نیرو داشتید. مگر فرانسه را شکست ندادید؟ هوشی مین هم فرانسه را شکست داد. ما چیانگ کای‌شک و ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها را شکست دادیم. ما ۲۵ سال جنگیدیم. البته اشتباهات زیادی هم کردیم، اما در نهایت پیروز شدیم.

ما همه تحصیلات پایینی داشتیم. بیش از ۹۵ درصد ما بی‌سواد یا کم‌سواد بودیم. من و او (اشاره به ژنرال لو) تحصیلات بالایی نداشتیم. من تنها در یک مدرسه تربیت معلم برای آموزش ابتدایی تحصیل کردم و او (اشاره به ژنرال لو) نیز تنها کمی از مدرسه راهنمایی را گذراند. او دانش‌آموز چیانگ کای‌شک بود، اما کمتر از هفت ماه در مدرسه نظامی تحصیل کرد. وزیر دفاع ما، مارشال لین بیائو نیز کمتر از چهار ماه آموزش نظامی داشت. بیش از ۹۵ درصد از آن‌ها (اشاره به معاون رئیس پنگ شائوهوی و وزیر فوکیشو) برای اربابان خود گاوها را به چرا می‌بردند. من به متخصصان برجسته و افراد با تحصیلات بالا باور ندارم. منظورم انتقاد از شما نیست. شاید شما فردی با تحصیلات بالا باشید. افراد تحصیل‌کرده بسیاری وجود دارند؛ برخی انقلابی‌اند، برخی میانه‌رو و برخی دیگر ضدانقلابی.

**محمود گونز:** کشور من هم به همین شکل است. این برادران (اشاره به اعضای هیئت) همه کشاورز هستند. دانش و فرهنگ ما هم از مبارزات انقلابی به‌دست آمده.

**صدر مائو:** بله! از انقلاب آموختن را یاد بگیرید. آیا تاکنون کتاب‌هایی از مارکسیسم-لنینیسم خوانده‌اید؟

**محمود گونز:** بله، چندتایی خوانده‌ام.



**صدر مائو:** خوب است که چندتایی از آن‌ها را بخوانید. اگر زیادی بخوانید، ممکن است به فردی صرفاً کتابی و خشک تبدیل شوید. تجدیدنظرطلبانی مثل برنشتاین، کائوتسکی و پلخانوف کتاب‌های زیادی خوانده بودند. مارکس، انگلس و لنین هم کتاب‌های زیادی خوانده بودند، اما حالت خشک و صرفاً کتابی نداشتند. من در کشور شما امید می‌بینم. امیدهای آفریقا را. آیا ممکن است فقط شما موفق شوید ولی آفریقا نه؟ فکر نمی‌کنم. در آفریقا هم ضدانقلابیون وجود دارند. اما بیشتر افراد، یا انقلابی‌اند یا میانه‌رو. آیا موسی چومبه<sup>۱</sup> انقلابی است؟!

**محمود گونز:** همه می‌دانند که موسی چومبه ابزار امپریالیسم است و خلق کنگو توانایی شکست دادن او را دارند.

---

<sup>۱</sup> موسی چومبه در تاریخ کنگو به‌عنوان یکی از عوامل اصلی کارشکنی در راه استقلال و عدالت‌خواهی شناخته می‌شود. او که در آغاز، از استقلال کنگو حمایت می‌کرد، با چرخشی آشکار و به دلیل نزدیکی به منافع استعماری بلژیک و با پشتیبانی قدرت‌های غربی و استعمارگران، ایالت کاتانگا را از حاکمیت مرکزی جدا کرد و به‌عنوان آلت دست نیروهای خارجی برای تضعیف کنگو عمل کرد. خیانت او به ایده‌های آزادی‌خواهانه پاتریس لومومبا و همدستی در سرکوب و قتل او، چومبه را به چهره‌ای منفور در میان انقلابیون آفریقایی تبدیل کرد. او در حالی که در سال ۱۹۶۷ به صورت غیابی محکوم به مرگ شده بود، در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۷ هنگامی که سوار بر هواپیما بود توسط فرانسیس بودن عضو سازمان SDECE فرانسه ربوده شد و به الجزایر برده و در آنجا تحت بازداشت خانگی قرار گرفت، دولت کنگو خواستار استرداد وی به کنگو شد، اما الجزایر درخواست را نپذیرف. در نهایت چومبه در سال ۱۹۶۹ به علت نارسایی قلبی درگذشت و در گورستانی در بلژیک دفن شد. در یکی از سروده‌های فریدون مشیری نیز از او یاد شده است:

«... قرن ما

روزگار مرگ انسانیت است

سینه دنیا ز خوبی‌ها تهی است

صحبت از آزادی، پاکی، مروت، ابلهی است

صحبت از موسی و عیسی و محمد نابه‌جاست

قرن موسی چمبه هاست

روزگار مرگ انسانیت است ...» - م.

**صدر مائو:** ما از این که به انقلابیون کنگو (لئوپولدویل) کمک می‌کنیم، بسیار خرسندیم، به‌ویژه حالا که تازه آزاد شده‌اید. شما فقط یک هواپیما دارید که سلاح‌ها را به کنگو ببرد. روحیه بین‌المللی شما عالی است. ضدانقلابیون یکی از کشتی‌های شما را منفجر کردند. ما کشتی دیگری که گرگ و میش نام دارد و از بریتانیا خریداری کرده‌ایم، به شما خواهیم داد. این کشتی ۱۰,۰۰۰ تن وزن دارد ولی هنوز نرسیده. در آینده، شما صنعت کشتی‌سازی خود را خواهید داشت و می‌توانید کشتی‌های خود را بسازید. مگر نروژ نمی‌تواند کشتی بسازد؟ شما جمعیتی بیش از آن‌ها دارید. شما بیش از ده میلیون نفر هستید. صنعت کشتی‌سازی نروژ بسیار بزرگ است و رتبه دوم یا سوم جهان را دارد. نروژ در شمال اقیانوس اطلس و دریای بالتیک است و شما یک کشور مدیترانه‌ای هستید.

اقیانوس اطلس، اطلس نامیده می‌شود. نمی‌دانم این نام چه معنایی دارد. اقیانوس آرام نیز آرام نامیده می‌شود. «آرام» به معنای صلح است، اما اقیانوس آرام اصلاً خیلی آرام نیست! [یادداشت: معنای تحت‌اللفظی کاراکترهای چینی برای اقیانوس آرام «خیلی آرام» است.] شما هم آن‌جا خیلی آرام نیستید. مدیترانه هم خیلی آرام نیست. شمال اقیانوس اطلس خیلی آرام نیست. شما ناوگان ششم را در آن‌جا و ما ناوگان هفتم را این‌جا داریم. آمریکایی‌ها ما و شما را آزار می‌دهند. بیرهای کاغذی ما را اذیت می‌کنند. امپریالیسم یک ببر کاغذی است. فرانسوی‌ها ارتشی ۸۰۰,۰۰۰ نفری داشتند و شما تنها چند ده هزار نفر. آیا آن‌ها را شکست ندادید؟!

آیا فرانسوی صحبت می‌کنید؟

**محمود گونز:** بله، من فرانسوی صحبت می‌کنم.

**صدر مائو:** دانشی که از فرانسه به دست آوردید را علیه خودشان به کار گرفتید.

**محمود گونز:** از کودکی آموزش‌های میهن‌دوستانه دیده‌ایم. پدران و برادران بزرگترمان به ما یاد داده‌اند که میهن‌مان را دوست داشته باشیم.

**صدر مائو:** زبان مانند اسلحه، ابزاری است که ماهیت طبقاتی ندارد. چیانگ کای‌شک چینی صحبت می‌کند، ما هم چینی صحبت می‌کنیم، اما در عرصه سیاسی با او می‌جنگیم.

**محمود گونز:** بیشتر مردم الجزایر به زبان عربی صحبت می‌کنند. عده‌ای هم فرانسه تدریس و صحبت می‌کنند.

**صدر مائو:** یادگیری چند زبان خارجی می‌تواند مفید باشد؛ حتی انگلیسی و آلمانی. البته این فقط برای عده کمی لازم است. بیشتر مردم عادی الجزایر همچنان عرب‌زبان هستند. مردم، اغلب به آفریقا، همان‌طور که به آسیا، نگاه تحقیرآمیز دارند. چینی‌ها را «مرد بیمار آسیای شرقی» می‌نامیدند و تصور می‌کردند که بی‌فایده‌اند. بسیاری از تحصیل‌کرده‌های چینی، کشورهای خارجی را می‌پرستیدند؛ اگر در آمریکا تحصیل کرده بودند، آمریکا را می‌پرستیدند؛ اگر در بریتانیا، بریتانیا را؛ و اگر در ژاپن، ژاپن را. همیشه می‌گفتند نور ماه در کشورهای خارجی زیباتر از نور ماه در چین است. به این رفتار «دوستی با آمریکا»، «بت‌سازی از آمریکا» و «ترس از آمریکا» می‌گفتند.

ما اما از طریق آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، دوستی با آمریکا را به تحقیر آمریکا، بت‌سازی از آمریکا را به مخالفت با آمریکا، و ترس از آمریکا را به دیدن آمریکا به‌عنوان بیر کاغذی تبدیل کردیم. همهٔ بیرهای کاغذی دنیا در نهایت سقوط خواهند کرد. امپراتوری چین در سال ۱۹۱۱ سقوط کرد. چیانگ کای‌شک در سال ۱۹۴۹ شکست خورد. امپراتوری ژاپن در سال ۱۹۴۵ شکست خورد. در سال ۱۹۵۳، آمریکا در جنگ

کره شکست خورد. در سال ۱۹۵۴، فرانسه در دین بین فو سقوط کرد. جنگ شما در چه سالی پیروز شد؟

**محمود گونز:** روز آغاز انقلاب ما باید روز پیروزی ما به شمار آید. آن روز در سال ۱۹۵۴ بود. ما در سال ۱۹۶۲ استقلال خود را اعلام کردیم.

**صدر مائو:** پس در سال ۱۹۶۲ بوده است. پیمان شما با فرانسه (پیمان اوپان) در چه سالی امضا شد؟

**محمود گونز:** در همان سال ۱۹۶۲.

**صدر مائو:** آیا امپریالیسم فرانسه یک بیر کاغذی است؟

**محمود گونز:** بله، مردم الجزایر با اتکا به نیروی خود، امپریالیسم فرانسه را شکست دادند. فرانسه واقعاً یک بیر کاغذی است.

**صدر مائو:** هیتلر تمام اروپا را اشغال کرد، حتی شمال آفریقای شما را. حالا هیتلر کجاست؟ دیگر وجود ندارد. هیتلر هم یک بیر کاغذی بود. باید محتاط و کوشا بود. این اصل در همه چیز صدق می کند؛ چه در جنگ و چه در سازندگی اقتصادی.

**محمود گونز:** به همین دلیل، ما فکر می کنیم که مبارزه مسلحانه ساده تر و ساخت سوسیالیسم بسیار پیچیده تر است. بنابراین باید هوشیار باشیم.

**صدر مائو:** برخی از سلاح های ما به دست ضدانقلابیون افتاده است. آیا شما سلاح ها را به دهقانان فقیر داده اید؟

**محمود گونز:** سلاح های ما به دهقانان و کارگرانی داده می شود که از نظر ایدئولوژیک بیدار و امتحان شده اند.

**صدر مائو:** در طی پانزده سال گذشته، برخی از سلاح‌های ما به دست ضدانقلابیون و واکنش‌گرایان جدید افتاده است، که این بسیار خطرناک است. آن‌ها اسلحه را به سمت ما گرفته‌اند. در طول این پانزده سال ما تغییرات زیادی کرده‌ایم. شما سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ را دیده‌اید. اگر پانزده سال دیگر بازنگری کنید، خواهید دید که برخی افراد تغییر کرده‌اند. آیا فرحات عباس<sup>۲</sup> تغییر زیادی نکرده است؟ شنیده‌ام که برخی از کسانی که به چین آمدند، اکنون با شما مخالف هستند. آن‌ها در زمان خود به درد می‌خوردند. شنیده‌ام اگر یک فرانسوی پس از خروج از کشور تغییر عقیده دهد، برخی از مردم او را فاسد می‌نامند.

**محمود گونز:** به همین دلایل، باید شبه‌نظامیان خود را در سطوح مختلف سازماندهی کنیم.

**صدر مائو:** شما باید از درس‌هایی که چین می‌تواند به شما بیاموزد، بهره ببرید. آیا در حال مطالعه تجربیات چین هستید؟ این نکته را به خاطر داشته باشید. اقیانوس آرام، آرام نیست، کشور ما نیز آرام نیست. برخی از افراد هنوز فاسد و فرصت‌طلب هستند. برخی درباره تحول مسالمت‌آمیز سخن می‌گویند. برخی تظاهر می‌کنند که به نام حزب کمونیست سخن می‌گویند. این افراد واقعاً آدم‌های جالبی هستند.

---

<sup>۲</sup> فرحات عباس، سیاستمدار الجزایری، با مواضع متزلزل و تغییر عقاید مکرر در طول مبارزات استقلال‌طلبانه الجزایر، چهره‌ای بحث‌برانگیز محسوب می‌شود. او که ابتدا خواهان همکاری با فرانسه بود و به اصلاحات تدریجی اعتقاد داشت، سال‌ها از پذیرش جدایی کامل الجزایر امتناع کرد و بارها استقلال را غیرممکن دانست. با افزایش فشارهای جبهه آزادی‌بخش ملی (FLN) و مخالفت گسترده مردمی با فرانسه، عباس نهایتاً تغییر موضع داد و به دولت موقت در تبعید پیوست. با این حال، او پس از استقلال الجزایر، به دلیل اختلافات سیاسی با احمد بن یلا، از سیاست کناره‌گیری کرد. این تغییرات پی‌درپی و عدم ثبات در مواضع او، عباس را در میان برخی به عنوان چهره‌ای محافظه‌کار و متمایل به سازش با استعمار معرفی کرده و موجب انتقاداتی از جانب هم‌زمانش در جبهه استقلال شد. - م.

نمی‌خواهم این تصور را ایجاد کنم که دولت چین سقوط کرده است. چنین اتفاقی نمی‌افتد! این افراد پراکنده‌اند، در حالی که ما متمرکز هستیم. ما هنوز میلیون‌ها نفر در ارتش آزادی‌بخش خلق داریم. می‌توانیم صدها میلیون کارگر و دهقانان کوچک و متوسط را برای مبارزه با عناصر شرّ بسیج کنیم. آن‌ها را نمی‌کشیم. آن‌ها را زندانی نمی‌کنیم. از آن‌ها می‌خواهیم کار کنند و از طریق کار خودشان را اصلاح کنند؛ اما در برخی موارد لازم است چند نفر را بکشیم. آیا شما هم چند نفر را نکشته‌اید؟ کشتن چند نفر هم لازم است. مگر شما هم چند نفر را نکشته‌اید؟ شاید شما به اندازه ما افراد زیادی را نکشته‌اید. اما کشتار زیاد، خوب نیست. پسران و دختران آن‌ها از شما متنفر می‌شوند و به دنبال انتقام پدرانشان می‌افتند. این به نفع کسی نیست. ما نیز نیروی کار آن‌ها را از دست می‌دهیم که آن‌ها هم به نفع کسی نیست. بنابراین، تعداد افرادی که می‌کشیم را به حداقل می‌رسانیم. کسانی که مرتکب قتل، آتش‌سوزی یا جرایمی که خشم مردم را برمی‌انگیزند می‌شوند، باید اعدام شوند. البته تعداد زیادی مرتکب این جرایم نمی‌شوند.

ضدانقلابی‌ها نیز باید سرکوب شوند. این افراد به منظور اصلاح از طریق کار تحت نظارت توده‌ها به مکان‌هایی برای اصلاح از طریق کار فرستاده می‌شوند یا به کارخانه‌ها و مزارع اصلاحی منتقل می‌شوند، جایی که در آن آغاز به کار ایدئولوژیک می‌کنند. در حومه پکن، هزاران نفر از این افراد در مزارع اصلاحی مشغول به کارند. پس از چند سال کار سیاسی و ایدئولوژیک، بیشتر ضدانقلابی‌ها و عناصر فاسد تغییر می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که ماشین‌آلات بسازند، یا به‌عنوان مهندس، پزشک و استاد مشغول به کار می‌شوند. این کار به نوعی، مانند بازیافت زباله است.

**محمود گونز:** زباله به چیز مفیدی تبدیل می‌شود.



ما بسیار سپاسگزاریم که صدر مائو این صحبت‌ها را با ما انجام دادند. ما همیشه این ملاقات فراموش‌نشدنی را به یاد خواهیم داشت.

صدر مائو: همه چیزهایی که گفتم فقط برای راهنمایی شماست. بر اساس شرایط خاص خودتان عمل کنید. تجربه‌های خارجی را کورکورانه تقلید نکنید. ما خودمان از این کار آسیب دیده‌ایم.

(صدر مائو هنگام بدرقه مهمانان تا دم در، از آن‌ها برای حضورشان تشکر کرد و رئیس هیئت دوباره از صدر مائو به خاطر افتخار بزرگی که با این ملاقات به هیئت داده‌اند، سپاسگزاری به عمل آورد).

صدر مائو: لطفاً سلام مرا به رئیس جمهور بن یلا برسانید.

محمود گونز: حتماً. در پایان، مایلم از خلق چین و پدر انقلاب چین، صدر مائو، برای کمک‌هایی که به انقلاب الجزایر کردند، تشکر کنم.

صدر مائو: خواهش می‌کنم، نیازی به تشکر نیست.



@zanjarehh : ما را در تلگرام دنبال کنید